

اعلامیه مطبوعاتی

زن نان آوردر غزه؛ میان سرپرستی خانواده و تلاش برای زنده ماندن

(ترجمه)

مرکز مطالعات سیاسی فلسطینی فاش ساخت که جنگ بر نوار غزه، باعث گسترش بی سابقه پدیده «زن نان آور» شده است؛ آن هم در حالی که شمار زنان بیوه به بیش از ۲۲ هزار تن رسیده است.

این مرکز در یک برگه تحلیلی تحت عنوان «زن نان آور در نوار غزه؛ اقتصاد جنگ و بازتولید فقر اجتماعی» توضیح داد که از دست رفتن نان آوران خانواده در نتیجه جنگ، دگرگونی‌های عمیقی را در ساختار خانواده‌های فلسطینی به وجود آورده است؛ به گونه‌ای که ده‌ها هزار کودک، یکی از والدین خود را از دست داده‌اند. در نتیجه این وضعیت، زنان ناگزیر شده‌اند مسئولیت‌های چندگانه‌ای را بر دوش بکشند؛ مسئولیت‌هایی که هم تأمین مصارف اقتصادی خانواده را دربر می‌گیرد و هم سرپرستی و مراقبت از اعضای خانواده را؛ آن هم در سایه نبود کامل کمک‌ها و حمایت‌های بیرونی؛ وضعیتی که فشارهای اقتصادی، روانی و اجتماعی بر زنان را به شدت افزایش داده است.

اطلاعات میدانی، ابعاد فاجعه‌ای را که زنان غزه با آن روبه‌رو اند، آشکار می‌سازد. براساس این داده‌ها، بیش از ۶۰۲۰ خانواده به گونه‌ای کامل نابود شده‌اند؛ به طوری که در بسیاری از موارد تنها یک بازمانده از خانواده باقی مانده که غالباً زن یا کودک بوده است. هم‌چنان ۲۷۰۰ خانواده به صورت کامل از میان رفته‌اند. شهادت و بازداشت ده‌ها هزار مرد فلسطینی نیز سبب شده که زنان آنان به تنهایی مسئولیت سرپرستی خانواده‌هایشان را در دشوارترین شرایط انسانی و اقتصادی به عهده بگیرند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که ده‌ها هزار زن بیوه در غزه زندگی می‌کنند و دست‌کم ۵۳۷۲۴ کودک، یکی از والدین خود را از دست داده‌اند که بیشتر آنان پدر خود را از دست داده‌اند. افزون بر آن، ۲۵۹۶ کودک نیز هر دو والد خود را از دست داده‌اند.

برآوردهای تازه نشان می‌دهد که اکنون بیش از ۵۸۶۰۰ خانواده در غزه توسط زنان اداره می‌شود؛ یعنی نزدیک به ۱۴ درصد مجموع خانواده‌ها. این بدان معناست که زن دیگر تنها یک عضو فعال در درون خانواده نیست، بلکه در بخش گسترده‌ای از خانواده‌ها به محور تصمیم‌گیری تبدیل شده است. اما این تحول در چارچوب توانمندسازی بایات و طبیعی رخ نداده، بلکه در فضای آوارگی گسترده، فروپاشی شبکه‌های حمایتی و نبود امنیت اقتصادی شکل گرفته است.

همچنان زنان نان‌آور بیشتر در معرض آوارگی و بی‌ثباتی قرار دارند؛ به گونه‌ای که آمارها نشان می‌دهد ۸۸ درصد خانواده‌هایی که توسط زنان اداره می‌شوند، آواره شده‌اند؛ در حالی که این رقم در سایر خانواده‌ها ۷۷ درصد است.

این ارقام تنها بازتاب‌دهنده خسارات انسانی نیست، بلکه نشان‌دهنده فروپاشی گسترده در ساختار سنتی خانواده و انتقال اجباری مسئولیت نان‌آوری به زنان است؛ انتقالی که این پدیده را از چند مورد محدود و فردی، به یک وضعیت اجتماعی فراگیر و اثرگذار تبدیل کرده است.

افزون بر این، فعالیت اقتصادی در غزه تقریباً به مرحله فروپاشی کامل رسیده است. برآوردها نشان می‌دهد که میزان بیکاری عمومی در سال ۲۰۲۵ م به حدود ۶۸ درصد رسیده و میزان مشارکت در بازار کار نیز پس از جنگ از حدود ۴۰ درصد به تنها ۲۵ درصد کاهش یافته است. اقتصاد غزه در تمامی بخش‌های تولیدی وارد مرحله «فروپاشی نزدیک به کامل» شده است؛ به این معنا که بازار دیگر توان ایجاد فرصت‌های کاری یا جذب نیروی کار تازه را ندارد. در نتیجه این وضعیت، مشکل زنان نان‌آور دیگر تنها یافتن شغل نیست، بلکه اصل نبود بازار کار است.

همچنان داده‌ها از بحران شدید در ساختار بازار کار پرده برمی‌دارد؛ جایی که میزان بیکاری زنان به ۹۲ درصد رسیده و مشارکت اقتصادی آنان تنها ۱۷ درصد است. افزون بر آن، نسبت خانواده‌هایی که توسط زنان اداره می‌شوند، از ۱۲ درصد پیش از جنگ به ۱۸ درصد در دوران جنگ افزایش یافته است. این وضعیت، تناقض دردناکی را نشان می‌دهد؛ زیرا در حالی که مسئولیت اقتصادی زنان پیوسته بیشتر می‌شود، فرصت‌های دسترسی آنان به کار و درآمد، روزبه‌روز کمتر می‌گردد.

این آمارها و ارقام تنها بخشی از رنج دوام‌دار این زنان را به تصویر می‌کشد؛ زنانی که بدون هیچ راه‌حل روشنی در افق، با زندگی‌ای سخت و طاقت‌فرسا روبه‌رو اند؛ زندگی‌ای که تقریباً از تمام ابتدایی‌ترین معیارهای یک حیات انسانی باکرامت خالی شده است. نقش آنان دیگر تنها به تربیه و مراقبت از فرزندان محدود نمی‌شود، بلکه به نبرد بی‌وقفه برای زنده‌ماندن تبدیل شده است.

اکنون بیشتر این زنان در خیمه‌های فرسوده یا خانه‌های ویران‌شده زندگی می‌کنند؛ مکان‌هایی که از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی، همچون آب، برق، گاز و خدمات صحتی محروم اند. آنان حتی از «رفاه غم‌خوردن» نیز محروم شده‌اند؛ زیرا مجبور اند احساسات خود را سرکوب کنند و اندوه خویش را تا زمانی نامعلوم به تعویق اندازند تا بتوانند فرزندان‌شان را آرام سازند و خلأ ناشی از نبود پدران را -چه در نتیجه شهادت و چه اسارت- جبران کنند. بدون تردید، تمام این وضعیت، تأثیرات سنگین روانی، جسمی، اقتصادی و اجتماعی بر آنان برجای گذاشته است.

همه این فجایع در حالی رخ می‌دهد که جهان سرگرم نزاع‌ها و طمع‌ورزی‌های خویش است و نهادهای مدعی دفاع از زنان، در خوابی عمیق فرو رفته‌اند؛ خوابی که تنها هنگام حمله بر اسلام، احکام و تشریحات آن از آن بیدار می‌شوند.

پس ای مسلمانان! دیگر منتظر چه هستید؟ آیا منتظرید که بر زنان و مادرانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در خطبه حجه الوداع و در احادیث فراوان دیگر، شما را نسبت به آنان سفارش فرموده است، فاجعه‌ای بزرگ‌تر نازل گردد؟! آیا ده‌ها هزار قربانی با همه گونه‌های رنج و مصیبت‌شان، هنوز هم هیچ احساس و حرکتی در شما ایجاد نمی‌کند؟! آیا کارتان به جایی رسیده که مشمول این سخن الله سبحانه و تعالی شده‌اید:

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: 74]

ترجمه: سپس دل‌های شما بعد از آن سخت شد؛ همانند سنگ یا سخت‌تر از آن. و برخی سنگ‌ها چنان‌اند که جویبارها از آن می‌جوشد، و برخی از آن‌ها می‌شکافتند و آب از آن بیرون می‌آید، و برخی دیگر از ترس الله فرو می‌افتند؛ و الله سبحانه و تعالی از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر - بخش زنان